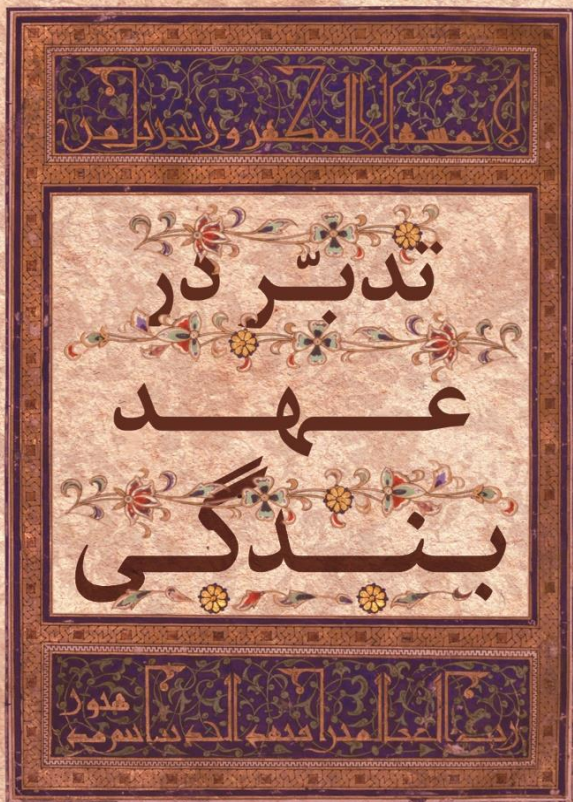


۳ تدرّ تشکیلاتی
(جلد اوّل از دفتر سوّم)



تدرّ تشکیلاتی
در آیات برگزیده ای از سی جزء قرآن کریم
بر اساس تفسیر المیزان علامه طباطبایی (رض)
جلد اوّل؛ جزء یکم تا دهم

مجموعه تدبر تشکیلاتی، تلاش دارد تا ضمن تدبر در آیات قرآن کریم، یک نگاه تشکیلاتی و اجتماعی به آیات الهی داشته باشد. دفتر اول این مجموعه با عنوان «رفیق روزهای بندگی» گزیده مباحث انس با قرآن استاد عابدینی است؛ دفتر دوم این مجموعه با موضوع روش تدبر تشکیلاتی در حال تدوین و نگارش است و دفتر سوم (مجموعه حاضر) تدبر تشکیلاتی در آیات منتخب جزء به جزء قرآن بر اساس تفسیر المیزان است که هر ده جزء در یک مجلد منتشر شده است.

جهت تهیه این مجموعه اثر با شماره ۰۲۷۰۰۲۷۰۸۸۵۹۰-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید و یا از طریق درگاه اینترنتی زیر اقدام نمایید.

<https://rushda.ir/>





تقدیم به:

روح ملکوتی مفسر بزرگ قرآن کریم؛

علامہ سید محمد حسین طباطبائی رضوان اللہ تعالیٰ علیہ

شنا سنامه

عنوان:

تدبر در عهد بندگی جلد ۱

مؤلف: علی جعفری هرستانی

تدوین و نگارش: مهدی رمضانعلی، احمد مؤمنی

تهیه کننده: مجموعه ربیون مرکز رشد دانشگاه امام صادق^(ع)

طراح جلد: محمد مهدی پروهاب

نشر مجازی: اسفند ۱۴۰۳

ناشر: مرکز رشد دانشگاه امام صادق^(ع)

شناسه اثر: ۱۴۰۳۱۸۰۴

نشانی: تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت،

نش کوچه کاتبی، مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)، پلاک ۱۰

کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱

تلفن: ۸۸۵۶۱۵۸۸



<https://rushd.ir>

<https://rebbiun.ir>



مقدمه:

خداوند متعال قرآن را برای مؤمنین، کتاب هدایت و بشارت قرار داده است: «تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ، هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ».^۱ این کتاب، همه‌ی آنچه برای سعادت انسان لازم است را ارائه نموده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ».^۲ در روایات اهل بیت (ع) تصریح شده است که: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ بَيِّنَاتٍ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ»؛^۳ یعنی خداوند متعال در قرآن، بیان و روشنگری هر چیزی را فرستاده است، تا آنجا که به خداوند سوگند، هیچ چیزی از احتیاج بندگان خود را فرونگذاشته است، تا جایی که هیچ بنده‌ای نتواند بگوید ای کاش فلان چیز در قرآن آمده بود!

۱. سوره نمل: آیه ۱ و ۲

۲. سوره نحل: آیه ۸۹

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۹

این پاسخگویی قرآن به نیاز انسان تا حدی است که به بیان روایات، هیچ امری نیست که دو نفر در مورد آن اختلاف نظر داشته باشند، مگر اینکه برای تشخیص موضع صحیح و مسیر درست برای آن اختلاف، اصلی در کتاب الهی وجود دارد، ولی عقول مردمان به طور متعارف به آن نمی رسد: «مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَلَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ»^۴. و در بیان خود قرآن، راه اینکه انسان، آرام آرام بتواند از طریق قرآن به نیازهای خود پاسخ دهد، رجوع به آیات الهی و تعقل در آن است: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۵ این رجوع و تعقل از طریق تدبّر در قرآن است، لذا خداوند امر به تدبّر نموده و نسبت به تدبّر نکردن در قرآن عتاب کرده است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۶.

تدبّر در قرآن، علاوه بر اینکه باید روشمند باشد، رجوع با مسأله و نیاز به قرآن را می طلبد. این مهم نیازمند تخاطب

۴ . الکافی، ج ۷، ص ۱۵۸

۵ . سوره انبیاء: آیه ۱۰

۶ . سوره محمد: آیه ۲۴

با قرآن است. یعنی اینکه اولاً باور کنیم قرآن برای مسأله و نیاز ما پاسخ دارد؛ ثانیاً با مسأله و نیاز خود، مخاطب قرآن قرار گرفته و به دنبال پاسخ قرآن به نیاز خود باشیم.

نیازهای جمعی و تشکیلاتی مؤمنین در تشکیلات ایمانی، یکی از مهمترین نیازهای امروز انقلاب اسلامی در حوزه تشکیلات سازی و به دنبال آن جامعه سازی در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی است. به بیان مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله علیه)، اولین ندائی که دعوت مستقل به جامعه سازی به عنوان یک امر مستقل نموده است، نذای اسلام است^۷ و قرآن بر این جهت، تفصیلی ترین بیان را در تشکیلات ایمانی و ایجاد توحید جمعی از طریق تحقق روح جمعی بیان نموده است.

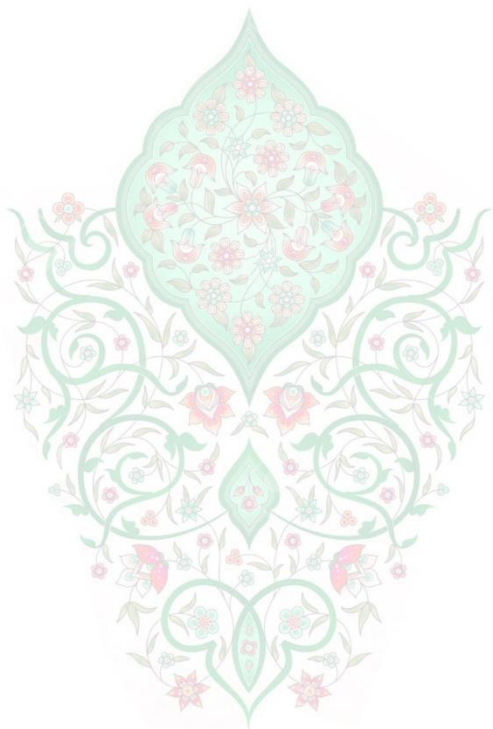
از آنجا که در عهد جمعی قرائت قرآن کریم در ماه مبارک رمضان، برای تشکیلات فرهنگی-اجتماعی جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی، تدبیر در یک یا دو آیه از قرآن ناظر به مسائل تشکیلات، مدنظر است، در این متن که

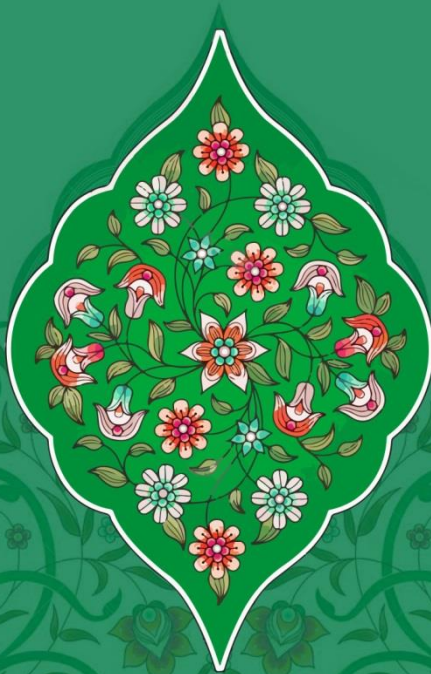
کاری است از مجموعه ریون مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تلاش شده است که دلالت تشکیلاتی برخی از آیات اجتماعی قرآن کریم، با محوریت تفسیر شریف المیزان و بیان استاد محمدرضا عابدینی ذیل شرح تفسیر المیزان، استخراج گردد. بر این اساس متن پیش رو تدبیری است که بر پایه تفسیر المیزان انجام گرفته است تا از طریق حرکت دست به عصا با تفسیر المیزان، بتواند علاوه بر جبران نقص تفسیری و تدبیری مؤلف، ظرفیت اجتماعی بیان علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) را در مباحث تشکیلاتی گوشزد نماید. این مباحث در قالب محتوای روزانه جزء به جزء عهد جمعی انس با قرآن در ماه مبارک رمضان (فروردین و اردیبهشت ماه ۱۴۰۲) منتشر گردید و اکنون با اندک اصلاحاتی در یک مجموعه ۳ جلدی (هر ده جزء در یک مجلد) منتشر می شود. امید است که این لذر بتواند مسیر را برای تدبیر تشکیلاتی در آیات قرآن کریم برای تشکیلات فرهنگی انقلاب اسلامی ایجاد نماید.

مجموعه ریون مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

یازدهم اسفند ۱۴۰۳ در آستانه حلول ماه مبارک رمضان

- جزء اول: تدبیر در سوره مبارکه حمد | ۱
- جزء دوم: تدبیر در آیه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره | ۱۹
- جزء سوم: تدبیر در آیه ۱۹ و ۲۰ سوره مبارکه آل عمران | ۲۹
- جزء چهارم: تدبیر در آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران | ۳۹
- جزء پنجم: تدبیر در آیه ۵ سوره مبارکه نساء | ۴۵
- جزء ششم: تدبیر در آیه ۱ و ۲ سوره مبارکه مائده | ۵۳
- جزء هفتم: تدبیر در آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده | ۶۱
- جزء هشتم: تدبیر در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه انعام | ۶۹
- جزء نهم: تدبیر در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه اعراف | ۷۵
- جزء دهم: تدبیر در آیه ۶۴ - ۶۶ سوره مبارکه انفال | ۸۵





جزء اوّل:

سوره مبارکه حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ١
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ ٣ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ٤
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ٥
أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ٦ صِرَاطَ
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ٧

سوره مبارکه حمد در آغاز جزء اول و اولین سوره قرآن کریم است و فاتحه الكتاب و ام الكتاب هم خوانده می شود. این سوره مبارکه دلالت های تدبّری تشکیلاتی بسیاری دارد.

تدبّر در «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»:

اولین نکته، شروع قرآن کریم و سوره ی حمد با آیه نورانی «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» است که در ابتدای تمامی سور قرآن کریم نیز دیده می شود. آنچه باید از این تسمیه به نام خدای متعال آموخت آن است که در امور فردی و تشکیلاتی، هدف گذاری توحیدی و عبودیت جمعی نباید فراموش شود! همانگونه که در روایات آمده است هر امر مهمی باید با بسم الله شروع شود وگرنه ابتر خواهد بود.^۱ به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) «هر کاری برای اینکه ماندگار و اثرگذار باشد، باید به اسم رب و با بسم الله انجام

۱. امیر المؤمنین (ع): أن رسول الله (ص) حدّثني عن الله عزّ وجلّ أنه قال: كل امر ذي بال لم يذكر فيه بسم الله الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فهو ابتر. (تفسیر الصافی، جلد ۱، صفحه ۸۳)

شود.^۱ و این شروع با «بِسْمِ اللّٰهِ» هم باید یک حقیقت برای آن عمل باشد نه صرفاً یک چرخاندن زبان! شریعت مقدس از ما لُق لقه زبان نخواسته است بلکه لفظی مد نظر شارع مقدّس است که همراه با روح و توجّه قلب باشد.

در واقع جاری ساختن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» یک امر تشریفاتی نیست؛ بلکه باید تلاش نمود تا روح حاکم بر امور، متأثر از معنا و حقیقت آن باشد. اگر قرار است که هدف در یک تشکّل، فعالیت تشکیلاتی و فرهنگی متمرکز و با نیت قرب الهی باشد، باید افراد آن تلاش کنند تا کارها حقیقتاً به اسم «اللّٰه» و با صبغه و رنگ الهی باشد تا ابتر نماند. قرآن کریم در همین منزل آغازین، این امر حساس را بر مخاطب خود گوشزد می‌کند.

از شروع سوره با نام خداوند متعال نکته دیگری هم می‌توان فهمید. هدف نزول قرآن کریم یک امر واحد است و تمام سوره و آیات در طول این هدف واحد سامان دارند. هر سوره در ضمن آن هدف واحد به دنبال تحقق مرتبه یا

۱. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۸، ص ۲۳۴ - ۲۴۰

وجهی از آن هدف یا غرض نازل شده است و هر آیه نسبت با هدف سوره خود و در نهایت در نسبت با هدف و غرض کلی قرآن کریم فهم می‌شود.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نیز چنین است. در آغاز قرآن این آیه شریف بر تمام آیات، سوره‌ها و آیات این کتاب مقدس جاری می‌شود؛ لذا «بِسْمِ اللَّهِ» سوره حمد هم ناظر به هدف و غرض کلی قرآن است و هم ناظر به سوره مبارکه حمد. با درک این مطلب و الهام از این نکته که «بِسْمِ اللَّهِ» سوره در همه آیات جاری می‌شود، هدف و نیت الهی در یک تشکیلات باید در همه اجزای کار تشکیلاتی نیز نمایان باشد؛ به طوری که باید در تمامی سطوح و جزئیات تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا شود. درس مهم قرآن در مطلع این کتاب شریف، درس رعایت صبغه الهی و هدف الهی در سلسله مراتب یک تشکیلات است.

تدبیر در «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»:

مطلق حمد از آن خداوند است.^۱ اگر دقت کنیم خواهیم یافت که هر حمدی، در واقع حمد محمود حقیقی، یعنی خداوند است. هر مدحی می‌کنیم مدح اوست! اگر کسی در برابر آینه ایستاد، هر کسی مدح آن تصویر در آینه را بگوید، مدح صاحب تصویر را نموده است. پس مرجع و مقصد تمام مدح‌ها خداوند است. به همین خاطر است که این آیه شریفه حمد را به‌طور مطلق به خداوند نسبت داده است.

امام خمینی^(ره) در تفسیر سوره حمد می‌فرماید: «جمیع انواع ستایش‌ها مختصّ به ذات مقدّس الوهیت است ... پس چون حمد در مقابل نعمت و انعام و احسان است و منعمی جز حق در دار تحقّق نیست، جمیع محامد مختصّ او است؛ و نیز جمال و جمیلی جز جمال او و او نیست، پس مدایح نیز به او رجوع کند.»^۲ باید به این فهم

۱. امام خمینی(ره)، آداب الصلاة، صفحه ۲۵۱

۲. همان

برسیم که کسی غیر از حق تعالی از خود کمال و جمالی ندارد! لذا شیفته اغیار شدن، جایگاهی برای کسی که حمد خدای متعال را می‌نماید، ندارد و کسی که به این مقام حمد توجه نماید، دل‌باخته هیچ چیزی نمی‌شود.

در تشکیلات نیز اگر حمد خداوند جاری شود، اعضای تشکیلات در مسیر انجام تکلیف الهی مرعوب یا خودباخته در مقابل دیگران نمی‌شوند. اگر کار درستی از آنان سر زد، هرگز به دنبال تحسین کسی غیر از نظر عنایت خداوند نخواهند بود. اگر همه اعضای تشکیلات این حال توحیدی را داشته باشند، حمد خدا را در تشکیلات جاری کرده‌اند و واضح است که فرد یا تشکیلاتی که در خود این حال توحیدی را پیاده کند، در اثرگذاری بیرونی بسیار موفق‌تر از دیگران عمل خواهد کرد. تجربه هم نشان داده است گاهی یک کار کوچکی که یک تشکّل به ظاهر کوچک انجام می‌دهد، تبدیل به یک جریان اثرگذار اجتماعی می‌شود. وقتی علت این مطلب را جست و جو می‌کنیم، می‌یابیم که آن جمع در روند انجام کار گوشه چشمی به سازمان یا فرد خاصی نداشته‌اند. زمانی هم که

اثر کار را می بینند، آن را به «خود» نسبت نمی دهند و می گویند: هر اتفاق زیبایی بر اثر این کار محقق شد، دست خدا بود؛ همانطور که اصل کار از آن خدا بود!

تدبیر در «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»:

رحمت خداوند متعال شامل دو رحمت عامه رحمانیه و خاصه رحیمیّه است. رحمت رحمانیه شامل و فراگیر نسبت به همه است و رحمت رحیمیّه رحمت اختصاصی برای مؤمنین است. اگر قرار است صبغه الهی در تشکیلات جاری شود در اولین مرتبه بعد از «بسم الله»، رحمان و رحیم بودن حق مطرح می شود. پس در تشکیلات ایمانی باید تلاش نمود تا نگاه تشکیلات به انسان‌ها و جامعه، نظر رحمت باشد. تشکیلات باید در فرایند و شاکله خود، هر دو رحمت عامه و رحمت خاصه را داشته باشد؛ به گونه‌ای که هم خیر عمومی به عامه مخاطبان خود و بلکه جامعه برساند و هم رحمت و توجه خاصه به خواص اهل ایمان و خواص تشکیلات ایمانی داشته باشد. تشکیلات باید در ضمن هدایت عامه، برنامه‌ای منسجم برای هدایت خاص مخاطبان ویژه‌ی خود تنظیم نماید. این هدایت

خاصه در طول هدایت و توجّه عامّه است. هم خواص از بستر مخاطب عمومی جذب می‌شوند و هم هدایت خواص و کادرسازی برای تشکیلات به منظور جامعه‌سازی و هدایت عمومی محقق می‌شود.

تدبّر در «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»:

خداوند متعال مالکِ یومِ الدّین است یعنی همه عاقبت و پایان امور به دست او و بلکه به سوی اوست. توجّه به معاد و معاد باوری یکی دیگر از لوازم حیات فردی و نیز حیات جمعی و تشکیلاتی ایمانی است. مالکیت‌های دنیایی، تماماً اعتباری و غیر حقیقی است و مالکیت حقیقی از آن خداوند است؛ لذا خداوند، مدبّر و مربّی حقیقی همگان است. خداوند هر که را بخواهد هدایت می‌کند و هر که را بخواهد گمراه می‌کند؛ البتّه خواست خداوند بی حکمت نیست و بر اساس عمل، ظرفیت و استعداد خود فرد است.

اعضای یک تشکیلات ایمانی وقتی به مالکیت حقیقی خدای سبحان توجه می‌کنند، در عین حالی که نسبت به

تربیت و تعالی انسان‌ها حساس هستند و برای آن تلاش جدی می‌کنند، می‌دانند که بر دیگران مالکیت و سیطره‌ای ندارند. لذا عاقبت و انجام امور را به خداوندی که مالک حقیقی عاقبت و فرجام همه امور است واگذار می‌کنند. مقامی بالاتر از مقام پیامبر (ص) که نیست! ایشان به تکلیف خود در هدایت انسان‌ها به بهترین وجه عمل می‌کردند؛ تا حدی که خدای سبحان به ایشان می‌فرمود که کم مانده خود را از شدت غم و اندوهی که به خاطر اعمال ناشایست آنان داری، هلاک کنی!^۱ در عین حال نیز خداوند مشیت و خواست خود را متذکر می‌شود: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۲؛ یعنی ای پیامبر، قطعاً تو نمی‌توانی هر که را خود دوست داری هدایت کنی، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند؛ و او به هدایت پذیران داناتر است. لذا

۱. سوره کهف: آیه ۶

۲. سوره قصص: آیه ۵۶

پیامبر (ص) نیز نمی‌تواند هر کسی را که بخواهد هدایت کند، مگر به اذن و مشیّت الهی.

تدبّر در «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»:

عبودیت و استعانت از خداوند تبارک و تعالی در این آیه شریفه به صورت جمعی آمده است. این نکته مهمی است که اولین آیات قرآن بر این مطلب دلالت دارد که مسلمانان باید شانه به شانه و به صورت جمعی به عبودیت که هدف آفرینش است مشغول باشند! زمانی این آیه شریفه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برای انسان جلوه‌ی تام و معنای حقیقی پیدا می‌کند که در حرکت جمعی و کاروانی به سمت توحید و عبودیت قرار گرفته باشد.

در احکام شرعی از جمله احکام مربوط به نماز این حقیقت جلوه می‌کند. به عنوان مثال در نماز فرادی وقوع برخی افعال از جانب فرد مکلف موجب بطلان نماز خواهد شد؛ اما همان فعل در نماز جماعت لطمه‌ای به نماز نخواهد زد. اگر در نماز فرادی سه بار سجده در یک رکعت واقع شود نماز باطل خواهد شد؛ اما اگر در نماز

جماعت، مأموم ناخواسته و زودتر از امام جماعت سر از سجده بردارد، حکم شرعی این است که مأموم باید دوباره به سجده برود وگرنه نمازش اشکال پیدا می‌کند. در واقع حکم شرعی، مأموم را به یک سجده بیشتر امر می‌کند. این یعنی حرمت جماعت در بالاترین درجه قرار دارد و قواعد و احکامی فراتر از نمازهای فرادی دارد. در جای دیگری شارع حکم کرده است اگر در یک مکان نماز جماعت خوانده شود، اجازه ندارید جماعت دیگری ایجاد کنید و یا اگر یک بار نماز فرادی خواندید می‌توانید مجدداً همان نماز را با جماعت اعاده کنید. این احکام جایگاه جماعت را در منظر الهی روشن می‌کند.

غایت تشکیلات نیز رسیدن به این بندگی جمعی با استعانت جمعی از خداوند متعال است. پس از آن، طلب هدایت به صراط مستقیم هم به صورت جمعی معنا می‌یابد. درست است که تشکیلات، محیط مناسبی برای رشد و تربیت تک تک افراد است و اگر عبودیت در ساحت فردی محقق نشود، در ساحت جمعی هم محقق نمی‌شود، اما هدف و غایت بالاتر این است که کلیت

جمع و تشکّل در برابر ساحت ربوبی اظهار خاکساری کند! اینجاست که هر فرد به این بسنده نمی‌کند که صرفاً خودش در مسیر عبودیت پیشرفت کند؛ بلکه دغدغه عبودیت و بندگی دیگران را هم در تشکیلات دارد.

تدبّر در «**اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**»:

در هر فعلی از طرفی توجّه توحیدی و استعانت از حق و از طرف دیگر طلب راهگشایی و هدایت به صراط مستقیم، به صورت توأمان لازم است. بدون هدف گذاری، هدایت و حرکت در مسیر درست در تشکیلات محقق نمی‌شود. حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها بر اساس غایت و مسیر، از یکدیگر متمایز می‌شود و در این موضع، جبهه‌بندی و صف‌بندی انبیاء در عالم بر مدار صراط مستقیم شکل می‌گیرد.

ما باید خود به راه مستقیم هدایت شویم تا بتوانیم دیگران را نیز دعوت کنیم. توجّه به وجه هدایتی فعالیت‌ها در تشکیلات بسیار مهم است! اگر در یک تشکیلات، خواص و رهبران تشکیلات جلودار هدایت نباشند و بخواهند دیگران را هدایت کنند یقیناً به اشتباه رفته‌اند. همچنین اگر

انسان دیگران را غیر از خود ندید و هدایت دیگران را هدایت خود و بلکه در گرو هدایت خویش دانست، تضرع و زاری او برای طلب «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» شدت می‌یابد.

در آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»^۱، آنجا که فرموده است «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» به این معنا نیست که به هدایت دیگران کاری نداشته باشیم؛ بلکه به این معنا است که هدایت دیگران از هدایت و حرکت خود ما و ملحق شدن دیگری به من و تحقق «ما» شروع می‌شود. انسان باید هدایت به صراط مستقیم را از خداوند طلب کند و بداند که به خودی خود نمی‌تواند مسیر خویش را بیابد و از گمراهی نجات پیدا کند. یکی از طلب‌های امام و رهبر تشکیلات باید راه‌یابی و هدایت به صراط مستقیم باشد؛ در غیر این صورت در این طریق مستقیم قرار نگرفته و در گمراهی حرکت می‌کند و سرعت سیر او موجب دور شدن

بیشتر می‌شود؛ همان‌گونه که در روایت آمده است: «لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا»^۱

تدبّر در «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...»

برای شناخت مسیر درست، الگوهای عینی و مصداقی را باید به عنوان شاخص در تشکیلات شناخت؛ وگرنه بدون شاخص در شناخت مسیر حق و صراط مستقیم اختلاف ایجاد خواهد شد. لذاست که خدای سبحان در این آیه صراط را منتسب به کسانی کرد که به آن‌ها نعمت داده است. علاوه بر آن، کسانی را نشان می‌دهد که شاخص‌هایی برای راه‌های غیر صراط مستقیم هستند؛ یعنی کسانی که بر آن‌ها غضب کرده است و کسانی که از مسیر حق گمراه شده‌اند. خداوند برای معرفی صراط مستقیم، مصداق انعمت علیهم را معرفی می‌کند و در آیات دیگر مصداق جزئی‌تری ارائه می‌دهد و بیان می‌کند

۱. الکافی، ج ۱، صفحه ۴۳

قَالَ الصَّادِقُ(ع): الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا. هر که بدون بصیرت عمل کند مانند کسی است که بیراهه می‌رود هر چند شتاب کند از هدف دورتر گردد.

که این انعمت علیهم، نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین هستند.^۱

بنابراین برای هدایت به صراط مستقیم الگو و شاخص لازم است! اگر در تشکیلات، الگو و شاخص ارائه نشود و مسیر حرکت، مصداق مشخص پیدا نکند، اختلاف در مسیر و انحراف از مسیر رخ می‌دهد و ضالّین به تبع مغضوب علیهم که مُضَلِّین هستند زیاد می‌شوند.

صراط مستقیم ناظر به غایت و هدف‌گذاری عبودیت است. بدون هدف‌گذاری، هدایت و حرکت در مسیر درست در تشکیلات محقق نمی‌شود. بر اساس این غایت و مسیر حیات فردی و اجتماعی است که انسان‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند. جبهه‌بندی و صف‌بندی انبیاء در عالم بر مدار صراط مستقیم شکل می‌گیرد و «مَغْضُوب عَلَیْهِمْ» و «ضَالِّینَ» از «أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ» تفکیک می‌شوند. در تشکیلات هم وقتی هدف‌گذاری رسیدن به هدایت باشد، افراد را باید بر مبنای آن تفکیک کرد؛ البته ملاک در

تشکیلات، رحمت رحمانیه فراگیر و حرکت به رحمت رحیمیه اختصاصی است؛ پس مسیر صحیح، مسیر جذب حداکثری است. دائماً باید از «ضَّالِّینَ» کاسته شده و به هدایت یافتگان به صراط مستقیم کشیده شوند و «مَغْضُوب عَلَیْهِمْ» که دفع شده و مورد غضب هستند، حداقلی گردند. در تشکیلات ایمانی فقط کسانی دفع مطلق و مصداق «مَغْضُوب عَلَیْهِمْ» می‌شوند که معاندانه، عالمانه و عامدانه با مسیر تشکیلات به سمت اهداف توحیدی خود و حرکت در صراط مستقیم مقابله کنند. این الگوی جذب و دفع در یک تشکیلات ایمانی است.

سوره‌ی حمد از آن جهت که فاتحه‌الکتاب است، لبّ هدایت فرد و جمع را که غایت و غرض قرآن است در خود دارد. لذا توجه به مفاهیم و معانی مطرح در سوره‌ی مبارکه‌ی حمد به قدری اهمیت دارد که این سوره، در رکعات اصلی نمازهای فریضه به عنوان رکن نماز باید تکرار شود. از این نکته می‌توان به اهمیت سوره‌ی حمد به عنوان یک عهد جمعی در تشکیلات ایمانی نیز پی برد. تشکیلات دائماً باید به قرائت و تدبّر در این سوره توجه

داشته باشد و چه بسا قرائت این سوره و توجه به آن در
ابتدای فعالیت‌ها به عنوان یک عهد جمعی، قابل تجویز و
توجه باشد.



جزء دؤم:

تدبّر در آیه ۲۱۳

سوره مبارکه بقره

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ
 مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ
 فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ
 بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا
 فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۱۳)

مردم [در ابتدا] گروهی واحد و یک دست بودند [و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند]، پس [از پدید آمدن اختلاف و تضاد] خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. [آن گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد] و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، [این اختلاف دوم] بعد از دلایل و برهان های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، [و سبب آن] برتری جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا اهل ایمان را به توفیق خود، به حقی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد. و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند.

خداوند متعال در آیه شریفه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید که مردم امت واحده‌ای بودند؛ اما به واسطه اختلاف اولیه‌ای که ناشی از استخدام‌گری و منفعت‌جویی طبیعی انسان‌ها بود، با یکدیگر اختلاف پیدا کردند و خداوند، انبیا و شرایع را فرستاد تا بر اساس احکام الهی این تفرقه را حل کنند:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»^۱؛ اما پس از این مردم در خود دین و احکام الهی هم تفرقه ایجاد کردند و بغی نمودند.

احکام الهی یا دین که مبنای رفع تفرقه میان مردم بود، در حرکت انبیا به مثابه یک تشکیلات اجتماعی گسترده و قاعده‌مند در آمده و در انسجام کامل به مسیر خود ادامه می‌دهد. هر چقدر لطمه و صدمه بر شاکله این تشکیلات منسجم جدی‌تر باشد و هرچقدر نظم و قوام آن بیشتر مورد تهدید قرار گیرد، عذاب و عقابی شدیدتر در پی خواهد داشت. در همین باب از رسول اکرم (ص) روایت شده است

۱. سوره بقره: آیه ۲۱۳

که فرمودند: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفِرْقَةُ عَذَابٌ»^۱ به همین خاطر اگر کسی به این شاکله صدمه‌ای بزند، دچار عذاب الهی خواهد شد.

تشکیلات ایمانی مصداقی از حرکت و تشکیلات اجتماعی انبیاء است و اهمیت انسجام آن را نباید دست کم گرفت. اساساً پیاده‌سازی تعالیم اسلامی و احکام الهی از تشکیلات ایمانی مؤمنین شروع و جامعه سازی در آن تجربه می‌شود تا از آنجا به دیگر جمع‌ها تسری پیدا کند و کل جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. به عبارتی تشکیلات ایمانی سطحی از همان رسالت انبیا در ایجاد وحدت حول محور دین را بر عهده دارد.

آنچه بیان شد، ناظر به شاکله درونی و فعلی تشکیلات ایمانی بود؛ اما تشکیلات یک بُعد دیگر هم می‌تواند داشته باشد و آن بعد تاریخی تشکیلات است! در آیات ابتدایی

۱. نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۲۳؛ جماعت «وحدت»، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.

سوره بقره آمده است که مؤمنین کسانی هستند که به وحدت حرکت انبیا و یکپارچگی جبهه حق در طول تاریخ ایمان دارند: «وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»^۱ در این سوره، کفار و منافقین تخطئه و اهل کتاب ملامت شده‌اند؛ چون میان ادیان آسمانی و رسولان الهی فرق گذاشتند و در پذیرش تعالیم انبیاء تبعیض قائل شده و به بعضی از تعالیم آن‌ها ایمان آورده و به بعضی کفر ورزیدند. خدای سبحان در انتهای سوره بقره در وصف مؤمنین امت خاتم می‌فرماید: «ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ ۚ وَ كُتُبِهِ ۚ وَ رُسُلِهِ ۚ لَأُفَرِّقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ»^۲؛ مؤمنین خود را ادامه جریان حق و مسیر تاریخی انبیا و مؤمنین قبل از خود می‌دانند و خود را در معرض یک مسئولیت تاریخی می‌بینند. چون به این مسئولیت توجه دارند، در یکی دیدن و وحدت مسیر حرکت انبیا تردید نمی‌کنند؛ بلکه همه را زیر پرچم یک حرکت اجتماعی

۱. سوره بقره: آیه ۴

۲. سوره بقره: آیه ۲۸۵

واحد تحلیل می‌کنند. باید توجه کرد که حرکت تمدنی یک حرکت بلند مدت است و تک تک افراد جامعه و تک تک تشکل‌ها و مجموعه‌ها برای نقش‌آفرینی در این حرکت، لازم است نگاهی به همین اندازه، یعنی یک نگاه بلند تمدنی پیدا کنند و حرکت خود را ادامه حرکت گذشتگان و مسیرسازی برای آیندگان بدانند.

آنچه باعث می‌شود مسیر رشد یک تشکیلات دچار خدشه شود، منیت‌ها و خودخواهی‌هایی است که موجب می‌شود مسیری که تشکیلات تاکنون آمده است، نادیده گرفته شود. در حالی که در الگوی حرکت تشکیلاتی انبیاء، هر نبی مؤید و مصدق نبی قبلی خود بوده و مسیر او را امتداد داده و تکمیل نموده است. حضرت امام^(ره) می‌فرمایند: «اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی، هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند. اگر اولیا و انبیا را، شما فرض کنید که الآن بیایند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع ندارند. برای اینکه نزاع مال خودخواهی است.»^۱ اگر در یک تشکیلات ایمانی تغییر

۱. صحیفه امام، جلد ۱۱، ص ۳۸۱

مسئولیت‌ها با نگاه الهی و افق مسئولیت تاریخی و تمدنی انجام گیرد، هر مسئول پاسدار و ادامه دهنده مسیری است که رهبران و مسئولان قبلی آن را به درستی رفتند و جبران کننده نقص‌های احتمالی آنان خواهد بود؛ نه اینکه همه زحمات قبل از خود را نادیده گرفته و کارهای نیمه تمام را رها و تعطیل نماید تا بدین وسیله برای خود کار جدیدی بتراشد و گزارش کار دوران مسئولیت خود را بر اساس اقدامات تأسیسی سنگین نماید! رشد و تعالی یک تشکیلات و رسیدن به اهداف خود، یک حرکت زمانبر و بلند مدت است و اگر این نگاه تکاملی و دوی امدادی و تصدیق مسیر مؤمنان قبلی وجود نداشته باشد، دائماً در هر برهه‌ای کارها از نو تعریف می‌شود و تشکیلات در جا می‌زند. همین مسئله در کلیت جامعه و یک امت نیز ممکن است رخ دهد.

مسئولیت حفظ شاکله تشکیلات در هر دو بُعد، اولاً متوجه متولیان آن است! مانند کاروانی بزرگ که رهبر و قافله‌سالار آن کاروان درصدد حفظ شاکله کاروان است و ضمن مدیریت این جمع، با جلوه جمالی خود درون

کاروان را سامان می‌دهد و با جلوه جلالی خود، مانع از صدمه راهزنان طریق می‌شود. باید کوشید در تمامی جمع‌های ایمانی، اصول اساسی با حساسیت تمام، مورد نظارت قرار گیرند تا مبادا اعضای این تشکیلات و دیگرانی که قصد پیوستن به این تشکیلات را دارند، با تخطی از این اصول، حیثیت و انسجام کلی این جمع را پایمال کنند.

اولین و مهم‌ترین ثمره این نگاه جدی به وحدت در یک تشکیلات این است که تمام اعضای این جمع، بدون هیچ مزاحمت و حاشیه‌ای به وظایف و حرکت خود ادامه خواهند داد و رهبری یک جمع منسجم بدون حاشیه، ساده‌تر صورت خواهد گرفت؛ در غیر این صورت عاقبت بدی نصیب تفرقه‌افکنان خواهد شد؛ تا جایی که از نبی اکرم (ص) نقل شده است که «لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَن كَانَ قَبْلَكُمْ اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا»^۱؛ اختلاف نکنید، آنان که قبل از

۱. کنز العمال، حدیث ۸۹۴

شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند و در نامه یازدهم نهج البلاغه از امیرالمؤمنین^(ع) وارد شده است که فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَ التَّفَرُّقَ فَإِذَا نَزَلْتُمْ فَانزِلُوا جَمِيعاً وَإِذَا ارْتَحَلْتُمْ فَارْتَحِلُوا جَمِيعاً»^۱؛ از تفرقه و جدایی پرهیزید، هرگاه در جایی فرود آمدید، همگی فرود آئید و هرگاه کوچ کردید، با هم کوچ کنید.

۱. نهج البلاغه، نامه ۱۱.





جزء سوّم:

تدبّر در آیه ۲۰ و ۱۹

سوره مبارکه آل عمران

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ
 أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا
 بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
 الْحِسَابِ (۱۹) فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ
 وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 وَالْأُمِّيِّينَ أَسَلَمْتُمْ فَإِنْ أَسَلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ
 تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
 بِالْعِبَادِ (۲۰)

مسلماً دین [واقعی که همه پیامبران مُبلَّغ آن بودند] نزد خدا، اسلام است. و
 اهل کتاب [درباره آن] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را [نسبت به
 حَقَّائِیت آن] آگاهی و دانش آمد، این اختلاف به خاطر حسد و تجاوز میان
 خودشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا حسابرسی،
 سریع است. (۱۹) پس اگر با تو جدال و گفتگوی خصومت آمیز کردند، [فقط
 در پاسخشان] بگو: من و همه پیروانم وجود خود را تسلیم خدا کرده ایم. و به
 اهل کتاب و به بی سوادان [مشرک] بگو: آیا شما هم تسلیم شده اید؟ پس اگر
 تسلیم شوند، قطعاً هدایت یافته اند، و اگر روی گرداندند [برتو دشوار و سخت
 نیاید] که آنچه بر عهده توست فقط ابلاغ [پیام خدا] است؛ و خدا به بندگان
 بیناست. (۲۰)

از آن جهت که سوره مبارکه آل عمران دلالت‌های تشکیلاتی بسیاری دارد، ضروری است ابتدائاً بحثی درباره غرض سوره با تأکید بر آیه آخر آن بیان شود. به بیان مرحوم علامه طباطبایی (رض) سوره مبارکه آل عمران از سوره‌هایی است که علی‌رغم طولانی بودن آن، به صورت یکجا و پیوسته نازل شده است. ایشان می‌فرماید: «سوره آل عمران، این مقصود را دنبال می‌کند که مؤمنین را به توحید کلمه بخواند، تشویقشان کند تا هر چه زودتر یکپارچه شوند و خود را برای مقابله با دشمنان یعنی یهود و نصارا و مشرکین آماده سازند، باید در مقابل ناملایماتی که می‌بینند صبر کنند، زیرا موقعیتی بس خطرناک دارند، چون دشمنان مشغول جمع‌آوری نیرو هستند و در خاموش کردن نور خدا با دست و دهان خود یکدل و یک جهت شده اند.»^۱

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵

غایت و غرض این سوره در آیه آخر سوره آمده است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱. ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و بایکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.

این آیه شریفه به چهار مرحله مراقبه دعوت می‌کند؛ مرحله اول دعوت به صبر تک تک افراد در جامعه و تشکیلات ایمانی است که تعبیر به «اصْبِرُوا» شده است. این صبر شامل سه نوع صبر است که در روایات ما نیز به آن اشاره شده است چنانچه در بیان امیرالمؤمنین (ع) آمده است که فرمودند: «الصَّبْرُ إِمَّا صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ أَوْ عَلَى الطَّاعَةِ أَوْ عَنِ الْمَعْصِيَةِ وَ هَذَا الْقِسْمُ الثَّلَاثُ أَعْلَى دَرَجَةٍ مِنْ

الْقَسْمَيْنِ الْأُولَيْنِ»^۱ صبر یا بر مُصیبت است، یا بر اطاعت خدا، یا در مقابل معصیت است، که قسم سوّم از دو قسم قبلی با ارزش تر است.

مرحله دوم گره زدن صبر افراد به یکدیگر و ایجاد صبر جمعی و تشکیلاتی در عرض روابط ولایی مؤمنین است که از آن تعبیر به «صَابِرُوا» شده است؛ در این مرحله نیز، هر سه نوع صبر از جمع ایمانی خواسته شده است. این صبر جمعی صبرهای فردی را چند برابر خواهد نمود و به آن صبر محدود، روح جمعی می‌دهد و آن را توسعه می‌بخشد.

مرحله سوم مراقبه رابطه طولی ولایی با امام است که نتیجه روابط عرضی ولایی مؤمنین است. روایتی از امام باقر(ع) ذیل این آیه شریفه آمده است که ایشان این آیه را تفسیر نموده و می‌فرمایند: «إِصْبِرُوا عَلَىٰ أَذَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا

۱. میزان الحکمة، ج ۵، ص ۱۷۱.

عَدُوَّكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظِرَ»^۱. بر انجام واجبات الهی صبر کنید و در برابر دشمنان پایداری کنید و مراقب و مرتبط با امامتان - که به انتظارش هستید - باشید.

امام معصوم در ذیل این آیه ابتدا صبر فردی و سپس صبر جمعی در راستای اطاعت از رهبر تشکیلات را به صورت عرضی و در راستای یکدیگر توصیه نمودند تا تشکیلات در برابر گزند دشمنان در امان باشد و در نهایت می‌فرمایند مرحله بعد از این صبر تشکیلاتی، ارتباط با امام است؛ یعنی این پیوند ولایی میان خود را در سایه انتظار امام منتظر خود مستحکم سازید تا به فلاح و رستگاری برسید؛ یعنی فرج و ظهور ولایت امام موعود شما در گرو صبر فردی و صبر تشکیلاتی و ایجاد روابط ولایی مؤمنین است

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۹

و این‌گونه شما آماده رابطه با امام شده و ظرف تحمل ولایت امام را پیدا می‌کنید.

مرحله چهارم «اتَّقُوا اللَّهَ» یعنی صبر و مراقبه در محضر الهی است. لذا رسیدن به مرتبه قرب الهی و ولایت خداوند متعال در گرو رابطه ولایی با امام و ایجاد امت امام است. رابطه ولایی با امام در گرو تشکیلات ولایی و ایمانی مؤمنین است و این روابط ولایی در گرو صبر و ایمان فردی افراد جامعه است. ظرافت در این توصیه قرآنی و شرح آن از منظر امام معصوم^(ع) به طرز شگفت‌آوری انسان را با ظرایف روابط تشکیلاتی و اجتماعی آشنا می‌سازد. در واقع تمام این مراحل در یک نظام ولایی با در نظر گرفتن ولایت عرضی و ولایت طولی به ثمر می‌نشیند. لذا باید کوشید همواره به دنبال تقویت صبر فردی در جمیع ابعاد آن باشیم و پس از آن صبر خود را در صبر دیگران ضرب نموده و در نهایت به درک مقام ولایت امام نائل آییم. بر این اساس توأسی به حق و توأسی به صبر راه وحدت مؤمنین در تشکیلات ایمانی است. همانگونه که

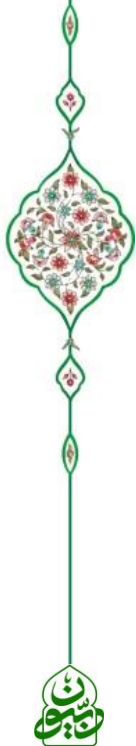
در سوره مبارکه عصر به این دو ویژگی برای مؤمنین تصریح شده است.

با این توضیحات، آیات ۱۹ و ۲۰ در نگاه کلی به این سوره مبارکه معنا پیدا می‌کنند. این دو آیه شریفه بیان می‌کنند که حقیقت، دین اسلام است و در روایات آمده است: «الإسلامُ هُوَ التَّسْلِيمُ»^۱ یعنی راه درست نزد خداوند متعال، اسلام یعنی تسلیم شدن در مقابل حق و حقیقت است و کسانی که تسلیم حق شوند بر خلاف اهل بغی، در تشکیلات ایمانی و جامعه دینی تفرقه و اختلاف ایجاد نمی‌کنند؛ لذا خداوند به پیغمبر (ص) امر می‌کند که اگر اهل بغی و اختلاف افکنان برای برتری جویی و زیاده خواهی با تو مواجه کردند، بگو من روی خود را به سوی خداوند کردم و تسلیم حق شدم و کسانی که از من تبعیت می‌کنند نیز این گونه هستند. شما هم اگر به دنبال هدایت هستید

باید تسلیم شوید و از تفرقه دست بردارید؛ چرا که اساس اسلام بر وحدت و ارتباط ایمانی حول محور حق و نفی اختلاف و تفرقه است و اساساً توحید که محور ادیان الهی است یعنی به وحدت رساندن کثرت‌ها حول محور حق.

بدیهی است که صبر توصیه شده در انتهای سوره که در دو مرحله فردی و جمعی آمده است و پس از آن توصیه به رابطه با امام، با تسلیم معنا پیدا می‌کند؛ یعنی انسان در برابر آنچه رضای الهی است، گاهی در مرحله فردی و گاهی در مرحله جمعی باید تسلیم باشد و نیز در برابر ولی الهی که فرستاده خداست باید سر تسلیم فرود آورد. به این ترتیب، تسلیم مطرح شده در این دو آیه از جمله مهمترین مقدمات برای شکل دادن به اوامر توصیه شده در انتهای سوره آل عمران است. در برابر این تسلیم هم تفرقه بیان شده است؛ زیرا وقتی عده‌ای ببینند که تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت به ضرر آنها تمام می‌شود، از جمع مسلمین

جدا می شوند و پراکندگی در میان تشکیلات و جامعه
ایمانی را کلید می زنند.





جزء چهارم:

تدبیر در آیه ۱۰۴

سوره مبارکه آل عمران

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُقْلِحُونَ (۱۰۴)

و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد،
اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار
شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند
که یقیناً رستگارند.

خداوند متعال در این آیه شریفه، به مؤمنین دستور امر معروف و نهی از منکر می‌دهد. این دستور از اساسی‌ترین دستورات اجتماعی اسلام است و باید در جامعه اسلامی پیاده شود؛ اما اولاً باید به درستی فهمیده شود و ثانیاً ظرافتهای آن مورد توجه قرار گیرد تا خدای ناکرده مؤمنین به اسم امر به معروف و نهی از منکر ناخودآگاه موجب تکدر خاطر و درگیری با یکدیگر نشوند؛ بلکه به واسطه آن هم معروف در جامعه ترویج یابد و هم منکر برچیده شود و هم همبستگی میان آحاد مختلف جامعه شدیدتر گردد.

خداوند متعال در آیه قبل می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱ یعنی به ریسمان الهی که عامل وحدت توحیدی میان شما است چنگ بزنید و تفرقه نکنید. سپس این عامل وحدت بخش را تبیین می‌کند که: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۲ یعنی به یاد بیاورید

۱. سوره آل عمران: آیه ۱۰۳

۲. سوره آل عمران: آیه ۱۰۳

نعمت الهی را آنگاه که با یکدیگر دشمن بودید و با آن نعمت بین قلوب شما الفت ایجاد نمود و به این نعمت، شما برادر ایمانی شدید.

نعمت مطلق در قرآن، نعمت ولایت است و لذا طبق این آیه شریفه، با ولایت پدرانۀ پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) که «أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۱ هستند، مؤمنین باهم برادر شدند. در حالی که: «كُنْتُمْ عَلَيَّ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»^۲ یعنی شما قبل از نعمت ولایت در پرتگاه آتش جهنم که باطن همین عداوت و تفرقه است قرار داشتید و خداوند سبحان، شما را با این ریسمان الهی از این جهنم بیرون کشید و به بهشت ولایت وارد نمود!

به شکرانه این نعمت ولایت و رهبری، برای حفظ این برادری، تکلیفی تشکیلاتی به جامعه ایمانی ابلاغ می‌شود و می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ

۱. أَنَا وَعَلَيَّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۷۲

۲. سوره آل عمران: آیه ۱۰۳

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱
یعنی از باب دلسوزی و محبت برادرانه امر به معروف و
نهی از منکر کنید نه از باب عداوت و بغض به یکدیگر؛
اگر چنین باشید به فلاح و رستگاری خواهید رسید و آگاه
باشید تا از اهل اختلاف و تفرقه نباشید: «وَلَا تَكُونُوا
كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَآخْتَلَفُوا»^۲

لذا به بیان مرحوم علامه طباطبایی (رض) معلوم می‌شود امر
به معروف از واجبات و لوازم جامعه‌ای است که اعتصام به
حبل‌الله دارد یعنی تشکیلات ایمانی از باب دلسوزی و
محبت برادرانه برای حفظ وحدت ولایی خود امر به
معروف می‌کند و این از باب بغض و عداوت و تفرقه‌افکنی
نیست.^۳ در روایات آمده است که «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ
لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ»^۴ یعنی مؤمن برادر حقیقی و تنی مؤمن است!

۱. سوره آل عمران: آیه ۱۰۴

۲. سوره آل عمران: آیه ۱۰۵

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۶

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶

اگر در درون تشکیلات ایمانی در میان مؤمنین مهرورزی و اخوت و برادری و تألیف قلوب در این سطح عالی تمرین شود و دلسوزی نسبت به برادر ایمانی به حدی برسد که همچون برادر واقعی خود با مؤمنین دیگر تعامل کند در این صورت همان گونه که امر به معروف و نصیحت برادر نسبت به برادر خود اینقدر مشفقانه است که منجر به پذیرش و اصلاح شده و موجب تفرقه و جدایی آنها نمی‌شود، امر به معروف و نهی از منکر برادر ایمانی هم با چنین آداب برادرانه و دلسوزانه‌ای و با چنین آثاری خواهد بود. امر به معروفی که منجر به تألیف قلوب و اتحاد و همدلی در جامعه نمی‌شود و شکاف و تفرقه و کینه و نفرت تولید می‌کند در سایه ولایت و روابط ایمانی نیست و مقدمات لازم آن فراهم نشده است و اساساً داخل در حکم امر به معروف نیست؛ البته حساب مقابله با معاندان و مفسدان فی الارض از حساب مؤمنین ضعیف‌الایمان که دچار خطا می‌شوند جداست.



جزء پنجم:

تدبر در آیه ۱

سوره مبارکه نساء

يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا
كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ
وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱)

ای مردم! از [مخالفت با فرمان های] پروردگارتان بپرهیزید، آنکه شما را از یک تن آفرید و جفتش را [نیز] از [جنس] او پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را پراکنده و منتشر ساخت. و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید، پروا کنید و از [قطع رابطه با] خویشاوندان بپرهیزید. یقیناً خدا همواره بر شما حافظ و نگهبان است.

خداوند متعال مردم را از نفس واحده و یک حقیقت مشترک آفرید و آدم و حوا نیز بعنوان اولین زوج از نسل بشر، در حقیقت انسانی باهم مشترک هستند و همه بنی آدم فرزندان این زوج هستند. در واقع اجتماع بشری، خانواده بنیان بوده و اولین واحد اجتماع بشری زوج و خانواده بوده است نه فرد!

در این راستا توجه به آیه شریفه ۳۴ همین سوره در تشکیلات ایمانی بسیار مهم است. خداوند متعال می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»^۱ یعنی مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند.

مردان باید به گونه ای در تشکیلات حضور یابند که قوام بودن آنها برای زنان در خانواده حفظ شود و تکیه‌گاه خانواده باقی بمانند. کما اینکه «قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» بر

۱. سوره نساء: آیه ۳۴

پشتیبانی و حمایت زن از مرد و زمینه‌سازی تدبیر امور خانواده توسط او دلالت دارد.

در حیات اجتماعی توجّه به این زوجیت و نسبت بسیار مهم است! خانواده واحد اجتماع بوده و نقش اجتماعی برای این واحد تعریف می‌شود. یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز حیات اجتماعی دینی با رویکردهای بشری توجّه به همین نکته است که مرد و زن در خانواده نقش ایفا می‌کنند و خانواده به‌عنوان یک ترکیب حقیقی، نقش اجتماعی می‌پذیرد. این مطلب به معنی عدم نقش‌آفرینی زن در جامعه نیست؛ بلکه به معنای حضور زن در اجتماع با پشتوانه خانواده است؛ پس در تشکیلات اسلامی و در جامعه ایمانی هم در تعریف نقش برای مردان و هم تعریف نقش برای زنان باید به خانواده محوری و اثر این نقش‌آفرینی و نسبت آن با خانواده توجّه کرد.

در روایتی از نبی اکرم (ص) آمده است: «جِهَادَ الْمَرْأَةِ حُسْنُ الْبَعْثِ»^۱ یعنی جهاد زن این است که به خوبی شوهرداری

کند. زنانی بودند که شوهرانشان به جهاد می‌رفتند و به ثواب جهاد فی سبیل الله و شهادت می‌رسیدند ولی آنها در خانه می‌ماندند و به رغم سختی و رنج دوری، بهره‌ای از ثواب جهاد نداشتند. لذا پیامبر (ص) فرمودند: همین خانواده‌داری و زمینه‌سازی جهاد مردان برای شما زنان اجر جهاد آنان را نیز به همراه دارد چرا که مرد نماینده خانواده خویش در جهاد است. روشن است که با تسری جهاد به عرصه‌های مختلف اجتماعی مانند جهاد فرهنگی و اقتصادی، این حکم هم تسری پیدا می‌کند.

امروزه با توجّه هجمه دشمن علیه خانواده، اساس خانواده‌داری و فرزندآوری و تربیت فرزندان آینده‌ساز انقلاب اسلامی، جهاد اصلی زنان است. اگرچه جهاد فرهنگی و جهاد تبیین بر همگان واجب است و حضور ایشان در عرصه فرهنگی بعد از اولویت قراردادن خانواده مانعی نخواهد داشت. اصل خانواده محوری، به تشکیلات این توان تحلیل و طراحی را می‌دهد که به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که ایفای نقش اجتماعی، مؤکد و مؤید خانواده باشد و نه مخل آن. حضور در حیات

اجتماعی باید منجر به تقویت خانواده شود و نه تضعیف آن و حضور در تشکیلات اسلامی یک مرتبه از این حیات اجتماعی است.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که الگوی سوم زن که به حضور زن در عرصه‌های اجتماعی انقلاب اسلامی تأکید دارد و رهبران انقلاب اسلامی آن را ارائه کرده‌اند، به رعایت اصول اسلام در حفظ حرمت و کرامت زن و حفظ بنیان خانواده تصریح دارد؛ پس حضور زن در عرصه‌های اجتماعی، باید با رعایت پوشش کامل اسلامی و عدم اختلاط با نامحرم و با حفظ حیا و کرامت زن و همچنین با پیشفرض گرفتن نقش اصیل و مهم همسری و نقش اصیل و بی‌بی‌دل مادری و تربیت فرزند همراه باشد.

نکته دیگر آیه شریفه ۱ از سوره نساء که در امتداد نکته اول است، بسط و توسعه جامعه در امتداد خانواده است. خانواده، عشیره، قبیله، قوم و ... مراتب توسعه خانواده به جامعه در نظام طبیعی خویش بوده و جامعه مدرن با برهم زدن بنیان خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع و قرارداد فرد به عنوان واحد اجتماع، عملاً جامعه را در

مقابل خانواده و تقویت حضور در جامعه را عامل تضعیف خانواده قرار داده است. در تشکیلات ایمانی و اسلامی باید تلاش کنیم با طراحی ویژه برای خانواده بنیانی و خانواده محوری تشکیلات، طرح جدیدی از حیات اجتماعی که منطبق با مبانی اسلامی است را تجربه کنیم.

در این سوره، در آیات شریفه ۵۸ تا ۶۵ نکاتی درباره حکومت اسلامی و اطاعت از اوامر حکومتی پیامبر (ص) و اولی الامر ایشان آمده است که علاوه بر داشتن دلالت‌هایی در مباحث حکومت اسلامی - که مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه بوده است - دلالت‌های جدی و بسیار مهمی در تشکیلات ولایی نیز دارد که تدبیر و دلالت‌گیری از آن را به عهده مخاطب عزیز می‌گذاریم.





جزء ششم:

تدبر در آیه او

سوره مبارکه مائده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ
 الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ
 حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (١) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا
 تَحِلُّوا سَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا
 الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ
 وَرِضُونًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ
 أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا
 عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا
 اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٢)

ای اهل ایمان! به همه قراردادهای [فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید. [گوشت] چهارپایان جز آنچه [در آیات بعد، حُرْمَتش] بر شما خوانده می شود برایتان حلال است، [و توجه داشته باشید که] نباید شکار را در حالی که مُحْرَم [به احرام حج و عمره] هستید، حلال بشمارید؛ یقیناً خدا آنچه را بخواهد [بر پایه علم و حکمتش و بر اساس رعایت مصلحت شما] حکم می کند. ای اهل ایمان! [هتک حرمت] شعایر خدا [مانند مناسک حج] و ماه های حرام [رجب، ذوالقعدة، ذوالحجه و محرم] و قربانی بی نشان، و قربانی نشان دار و قاصدان [و راهبان به سوی] بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگارشان را می طلبند، حلال بشمارید. و چون از احرام بیرون آمدید [اگر مایل باشید، می توانید] شکار کنید. و کینه توزی و دشمنی گروهی که شما را از [ورود به] مسجد الحرام بازداشتند و ادارتان نکند که [به آنان] تعدی و تجاوز کنید. و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید؛ و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

نام سوره مائده برگرفته از آیه شریفه ۱۱۴ از این سوره است که یادآور درخواست حواریون برای نزول مائده و رزق آسمانی است که اگرچه در ابتدا خواسته ایشان به جا نبود اما با رهبری الهی حضرت عیسی^(ع) به همین خواسته رنگ الهی و توحیدی زده شد به نحوی که به موجب آن بر یقینشان افزوده برای آنان عید ظهور ولایت و توحید برپا گشت.

سوره مائده در بردارنده مائده حقیقی آسمانی است که عید حقیقی را رقم می‌زند! مائده‌ای که امتداد استجابت دعای حضرت عیسی^(ع) در امت ختمی است؛ یعنی آیات غدیر و جعل ولایت امیرالمؤمنین^(ع) که ظهور معنایی در شکل‌گیری جامعه ایمانی بر محور ولایت دارد.

نعمت ولایت الهی که از آن تعبیر به اتمام نعمت و اکمال دین^۱ شده است، تکالیفی را بر عهده مؤمنین می‌گذارد که خطاب‌های «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا» در قرآن به آن اشاره دارد؛ چرا که معنای دقیق مؤمن در ادبیات دینی و قرآنی با

۱. اَلْيَوْمَ اٰكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ (سوره مائده: آیه ۳)

پذیرش ولایت عجین است. لذا با توجه به اینکه جعل ولایت و اتمام نعمت در این سوره آمده، بیشترین خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»^۱ در این سوره ذکر شده است.^۲

خداوند متعال در آیات ابتدایی این سوره تاکید می‌کند که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، ای کسانی که ایمان آورده اید به عقود یعنی عهدهایی که بسته‌اید پایبند باشید. این عهدها شامل میثاق مؤمنین با خداوند متعال، میثاق مؤمنین با ولی جامعه و نیز میثاق مؤمنین با یکدیگر می‌شود. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی این عقود شامل همه عهدهای اعتقادی اخلاقی و عملی می‌شود که مؤمنین باید به آن پایبند باشند. به همین جهت در ادامه به امر خداوند بر خوردن از گوشت حلال و دوری از

۱. شانزده مرتبه

۲. یکی از تدبیرهای تشکیلاتی قابل توصیه برای هر تشکیلات ایمانی دنبال کردن آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در قرآن، در یک برنامه مستمر قرآنی است. این خطاب بیش از ۸۰ بار در قرآن آمده است که عمده موارد آن، در سوره‌های طویل، مانند بقره تا مانده است. خطاب این آیات تشکیلات ایمانی یا جمع مؤمنین است.

خوردنی‌های حرام به عنوان یک عهد عملی اشاره کرده است و در آیات بعد به پایبندی بر شعائر الهی مانند حج اشاره کرده است که ابعاد اعتقادی و اخلاقی و عملی و فردی و اجتماعی دارد. علاوه بر اینکه این عهدها به بیان قرآن خطاب جمعی به مؤمنین و عهد جمعی مؤمنین است، مصادیق آن هم در بسیاری از موارد صراحت بر جمعی بودن دارد. از جمله اینکه در آیه دوم تصریح شده به اینکه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری.

این عهد که فراگیر است و شامل انجام هر کار نیک و عمل صالحی و ترک هر کار ناپسند و عمل ناصالحی می‌شود به دو دلیل صریح یک عهد جمعی است که خداوند از جمع مؤمنین در جامعه ایمانی خواسته است: دلیل اول خطاب جمعی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است که قبلاً به آن اشاره شد. این خطاب هم‌زمان فرد مؤمن و هویت جمعی مؤمنین را خطاب قرار می‌دهد. دلیل دوم امر به تعاون و نهی مقابل آن است. فعل امر تعاون از باب تفاعل در عربی به معنی

مشارکت و معاونت یعنی همیاری و همکاری بعضی با بعضی دیگر است که این به معنای عمل جمعی و عهد جمعی است. روشن است که این عمل جمعی نیازمند مشارکت در کار است و این یعنی عهد جمعی باید در بستر یک تشکیلات در جامعه ایمانی دنبال شود؛ لذا تصریح آیات ابتدایی این سوره، بر لزوم پایبندی به عهدهای جمعی ایمانی است و امر به همیاری و عمل جمعی در این عهدها، بیانگر لزوم عهد جمعی در تشکیلات ایمانی است.

در ادامه همین آیات شریفه به عهد اقامه نماز به عنوان یک عهد جمعی و عهد طهارت به عنوان مقدمه و لازمه آن اشاره دارد. شاید به نظر برسد که طهارت یکی از فردی‌ترین عهدهای ایمانی در رابطه با خداوند متعال است. برای روشن شدن وجه جمعی عهد طهارت اشاره‌ای به آیه مربوط به تشریح حکم طهارت و دلالت جمعی آن خواهیم کرد.

یکی از مهم‌ترین آیات در مورد احکام طهارت، این آیه شریفه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ

فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ^۱. این آیه، مانند بسیاری از آیات دیگر، با خطاب « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا » مؤمنان را به انجام یک عمل جمعی دعوت می‌کند.

در پایان این آیه، هدف از حکم طهارت چنین بیان شده است: « مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ». خدا نمی‌خواهد هیچ گونه سختی برای شما قرار دهد، و لیکن می‌خواهد تا شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند، باشد که شکر او به جای آرید. این یعنی، خداوند با وضع این حکم اراده فرموده تا نعمت خود را بر مؤمنین به اتمام برساند. در جای دیگر از این سوره مبارکه، اتمام نعمت چنین توضیح داده شده است: « أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي^۲ »، که اشاره به نعمت ولایت دارد. بنابراین، طهارت تنها یک حکم عبادی ساده

۱. سوره مانند: آیه ۶

۲. سوره مانند: آیه ۳

نیست، بلکه مقدمه‌ای است برای تحقق ولایت در جامعه ایمانی! یعنی با رعایت این حکم، پیوند بین مؤمنان قوی‌تر می‌شود و این پیوند، زمینه‌ساز ولایت امام و رسیدن به سعادت و توحید حقیقی خواهد بود.

در ادامه خدای سبحان می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ»^۱. و یاد کنید نعمت خدا را که به شما ارزانی داشت و عهد او را که با شما استوار کرد. این آیه تأکید می‌کند که احکام الهی، مانند طهارت، بخشی از میثاق و عهد مؤمنان با خدا هستند. به این معنا که چون مؤمنان وظیفه دارند که ولایت را در جامعه محقق کنند، اجرای احکام الهی نیز به‌عنوان یک وظیفه جمعی، در مسیر تحقق این ولایت قرار می‌گیرد. لذا یکی از وظایف تشکیلات ایمانی در مسیر تحقق ولایت الهی در جامعه، برقراری عهدهای جمعی با محوریت احکام الهی است.



جزء هفتم:

تدبیر در آیه ۱۰۵

سوره مبارکه مائده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ
مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
فِيئِبَّتِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

ای اهل ایمان! مراقبِ [ایمان و ارزش های معنوی] خود باشید؛ اگر
شما هدایت یافتید، گمراهی کسی که گمراه شده به شما زبانی نمی
رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را از آنچه انجام
می دادید، آگاه خواهد کرد.

در این آیه شریفه خداوند خطاب به ایمان آورندگان می‌فرماید: بر شما باد خودتان! مرحوم علامه طباطبایی (رض) ذیل این آیه شریفه در تفسیر المیزان می‌فرماید: «این آیه نه تنها منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر و سایر تکالیف اجتماعی ندارد، بلکه مؤید آن است».^۱ اگرچه به نگاه اولی به نظر می‌رسد این آیه انسان را به سمت فردیت سوق می‌دهد اما این که «اگر به خودتان بپردازید، ضلالت دیگران به شما آسیب نمی‌رساند»، نشان دهنده آن است که مقصود خداوند سبحان، فرد در مقابل جمع نیست، بلکه آنچه مورد نظر است، هویت جمعی مؤمنان است که می‌فرماید ای مؤمنان حواستان به جمع خودتان باشد؛ یعنی یک روح واحد خطاب شده است؛ اگر در این امر جمعی خودتان دقت داشته باشید، کسی خارج از جمع شما نمی‌تواند به شما آسیب بزند. لذا همین آیه حیثیت جمعی و هویت جمعی جامعه ایمانی را مورد تأکید قرار می‌دهد که «بر شما باد خودتان!» پس در اینجا انسان مؤمن، مخاطب است که اعم از فرد و جمع

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۶۳

است. البته نقطه شروع این خطاب، فرد مؤمن است اما غایت و انتهای سیر این خطاب، متوجه جامعه ایمانی و روح جمعی مؤمنین است.

به بیان دیگر، فردی مخاطب این آیه است که ابتدا خودش راه بیفتد و حرکت کند و سپس این من خود را توسعه دهد و دیگران را هم همراه سازد و حرکت دهد! اگر فرد به راه افتاد، دیگران را هم به راه می‌کشاند و همراه خود می‌کند؛ اما اگر از خود شروع نکرد و ابتدا نیت نمود تا دیگران را هدایت کند، نه تنها سایر مردم را به جایی نمی‌برد، بلکه چه بسا خود هم از راه هدایت خارج شود! پس معنای «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» این است که راه هدایت دیگران، از خودسازی می‌گذرد و انسان رفته رفته خواهد توانست برای دیگران به اندازه‌ای که می‌تواند، امامت و راهبری داشته باشد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»^۱ یعنی کسی که

خود را در مقام رهبری و امامت مردم قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم و تربیت خود مشغول شود.

پس «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»، هم فرد را خطاب قرار می‌دهد و هم جمع مؤمنین را خطاب قرار می‌دهد! انسان در هر مرتبه‌ای که هویت خود را تعریف کند، خطاب خداوند متعال به او تعلق می‌گیرد که مراقب خود باش! در لایه اول به فرد می‌گوید مراقب خود باش! در لایه بعد به هویت جمعی یک خانواده می‌گوید مراقب خود باش و خود را حفظ کن! در لایه بعد به یک تشکیلات ایمانی خطاب می‌کند که هویت خود را مراقبت کن! اگر تشکیلات خود را بر مدار تقوا حفظ کردید، اضلال دیگران به شما آسیب نمی‌رساند. در مرتبه بعد هم به کلیت یک جامعه ایمانی در مقابل جوامع کفر همین خطاب را بیان می‌کند. اگر بپذیریم که خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، بنا بر آنچه که در بیان آیات ابتدایی سوره مائده آمده، بیان‌کننده یک عهد جمعی برای مؤمنین است، این آیه شریفه بیان‌کننده عهد جمعی مراقبه و تقوای جمعی در تشکیلات ایمانی است و خداوند متعال امر فرموده است که تشکیلات ایمانی

مؤمنین در هویت جمعی و «ما»ی جمعی خود مراقبه داشته باشد و تقوای جمعی را رعایت کند. این امر به تقوا همه مراتبی که در تقوای فردی مطرح است را می‌تواند در بر بگیرد و حرکت تشکیلات ایمانی در مراتب مراقبه و تقوای الهی را معنادار سازد؛ به عنوان نمونه به وزن مشارطه، مراقبه و محاسبه، یک تشکیلات ایمانی می‌تواند برنامه‌ریزی سالانه داشته باشد، بر انجام آن برنامه مراقبه کند و دائماً روند انجام آن ارزیابی کند. آنگاه خواهد دید که در انتهای یک سال به خود رنگ تقوا زده است! نسبت خود را با نظام الهی و انجام تکلیف الهی در مسیری کاملاً سلوکی و توحیدی قرار داده است!

خداوند در آیات مربوط به جعل ولایت در غدیر خم در ابتدای همین سوره می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ»^۱. با وجود نعمت ولایت، «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ»! یعنی از دیگران بیمناک نباشید؛ بلکه از خودتان در نسبت با خداوند متعال بیمناک باشید؛

۱. سوره مائده: آیه ۳

زیرا شما دیگر چیزی برای وصول به ولایت الهی کم ندارید و راه برای شما هموار شده است؛ لذا دیدیم که بعد از غدیر، اسلام از نفاق داخلی آسیب دید، نه از کفر خارجی! این بیان عبارت اُخرای این است که می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» یعنی بر شما باد خودتان! اگر شما جامعه مؤمنین هدایت شوید، گمراهی دیگران به شما ضرری نمی‌رساند؛ پس ابتدا باید در تشکیلات ایمانی خود، اولاً به هدایت خود به مثابه «من شامل جمع» پردازید و سپس بدانید و ایمان داشته باشید که اگر این من واحد شکل گرفت و روح جمعی در ذیل نعمت ولایت محقق شد، آنگاه تحرکات دشمن، راه به جایی نخواهد برد.





جزء هشتم:

تدبّر در آیه ۱۱۲

سوره مبارکه انعام

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ
وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ
غُرُورًا ۗ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا
يَفْتَرُونَ (۱۱۲)

و این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل ولی به ظاهر آراسته و دلپسند به یکدیگر القاء می کنند، و اگر پروردگارت می خواست چنین نمی کردند، پس آنان و آنچه را به دروغ به هم می بافند واگذار.

سوره مبارکه انعام از سور مکی و در مقام احتجاج با مشرکین در عقاید (توحید، نبوت و معاد) و اخلاق و احکام است. لذا در این سوره بیشترین خطاب «قُل» یعنی: بگو، در مقام احتجاج پیامبر (ص) با مشرکین آمده است.^۱ عمده آیات این سوره یا مستقیماً و یا با عطف به آیات قبل خود، بیان آن چیزی است که امر به «بگو» شده است و باید از جانب نبی اکرم (ص) بیان شود. از اینجا روشن می‌شود که احتجاج بیانی و لسانی در دعوت به دین و دفع شبهات، نقش مهمی در تحقق حق و اتمام حجت بر مردم ایفا می‌کند. در هر دوره‌ای ابزار تبلیغ و انتقال پیام متفاوت بوده است و از گفتگوی چهره به چهره تا بیان و قلم اصحاب منبر و رسانه‌های امروزی و شبکه‌های اجتماعی همه می‌توانند خطاب امر «قُل» در قرآن باشند. «قُل»‌های قرآن عمدتاً در مقام احتجاج بوده و به عنوان یک تدبّر قرآنی تشکیلاتی مستمر، دنبال کردن آن‌ها و فهم روش‌مند الگوی احتجاج و اقامه دلیل قرآنی در مقابل مخالفین برای جهاد فرهنگی و به طور خاص در جهاد

۱. جهل و چهار مرتبه

تبیین که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است می‌تواند برای تشکیلات فرهنگی راهگشا باشد.

این سوره مبارکه در جای جای خود این نکته را گوشزد می‌کند که همواره دو راهی حق و باطل و جبهه اولیای الهی و اولیای طاغوت پا برجاست و هر جبهه ائمه و فرماندهانی دارد که به نور و حق یا ظلمات و باطل هدایت یا اضلال می‌کنند؛ چنانچه در جای دیگری از قرآن کریم آمده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»^۱ خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها [ی جهل، شرک، فسق و فجور] به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد. و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیان‌گرانند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند.

با همین بیان در آیه شریفه ۱۱۲ این سوره تصریح می‌شود که «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ

وَالْجِنَّ يُوجِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ
لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ؛ یعنی خداوند
سبحان برای هر نبی، دشمنانی از شیاطین جن و انس قرار
داده است که برخی، برخی دیگر را با سخنان به ظاهر
زیبای خویش فریب می دهند و البته خداوند تبارک و تعالی
چنین اراده کرده و این سنت خداوند است که در کنار
دعوت حق انبیاء، شیاطین اغواگر نیز دعوت به باطل کنند.

پس اگر در تشکیلات دینی احساس شد جریان رقیب
فعالیت خود را جدی نموده است و در مقابل جهاد
فرهنگی حق، تهاجم فرهنگی باطل هم وجود دارد، باید
دانست که این سنت الهی است که تشکیلات و جبهه حق
در تقابل با تشکیلات و جبهه باطل قرار گیرد. غایت این
سنت را خداوند سبحان بیان فرموده است: «وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ
أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا
هُمْ مُّقْتَرِفُونَ»؛^۱ یعنی خداوند متعال اراده کرده است تا در
مقابل دعوت تشریحی انبیاء و مؤمنینی که به اراده و اختیار

۱. سوره انعام: آیه ۱۱۳

خود دعوت دین را می‌پذیرند، غیر مؤمنین از شیاطین جن و انس پیروی کنند و به مسیر طاغوت و ظلمات کشیده شوند که البته این نتیجه اراده و انتخاب خود ایشان است و این یک سنت الهی است.

وظیفه تشکیلات ایمانی، ایمان به صراط مستقیم و دعوت دیگران به آن است. اگر این مطلب محقق شود، بر اساس آیه شریفه «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ»^۱ که پیش‌تر بیان آن گذشت، گمراهی دیگران به مؤمنین آسیبی نمی‌رساند. البته همانطور که بیان شد، این امر به خودسازی منافاتی با اصلاح جامعه ندارد؛ بلکه مسیر اصلاح جامعه همین خودسازی و اصلاح درونی است که لایه لایه از فرد و تا جمع را در بر می‌گیرد.

۱. سوره مائده: آیه ۱۰۵



جزء نهم:

تدبیر در آیه ۱۰۲

سوره مبارکه اعراف

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا
أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (۱۰۲)

و برای بیشتر آنان هیچ گونه پای بندی و تعهدی [نسبت به وعده
هایشان مبنی بر ایمان آوردن پس از دیدن معجزات و دلایل] نیافتیم، و
در حقیقت بیشتر آنان را نافرمان [و پیمان شکن] یافتیم.

به تعبیر علامه طباطبایی (رض) سوره اعراف، یادآور یک عهد الهی است. عهدی که خداوند سبحان از آدمیان گرفت تا او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند.^۱ آنگاه از سیر این عهد در تاریخ انسانی و نمونه‌های عهدشکنی امت‌های گذشته بحث می‌کند و می‌فرماید: «وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ»^۲ یعنی اکثر مردمان را در عهد خود با خداوند استوار ندیدیم بلکه بیشترشان را عهدشکن و بزهکار یافتیم.

این عهد، عهد عدم بندگی شیطان و بندگی خداوند است! همان عهدی که در سوره یس به اجمال از آن بحث شده است: «الَّذِينَ كَفَرُوا عَاهَدُوا إِلَيْنَا أَنْ لَا يُعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳ ای فرزندان آدم! آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶

۲. سوره اعراف؛ آیه ۱۰۲

۳. سوره یس؛ آیه ۶۰ و ۶۱

مپرستید که او بی تردید دشمن آشکاری برای شماست؟ و اینکه مرا بپرستید که این راهی است مستقیم.

به همین جهت در سوره مبارکه اعراف به اغوای شیطان و نقش آن در پیمان شکنی انسان توجه شده است؛ لذای خدای سبحان در این سوره یک نگاه دقیق در انسان شناسی تربیتی مطرح می کند که در نسبت با آن، روش و مسیر اغوای شیطان و انحراف انسان در ماجرای هبوط ترسیم شده است. اگر طریق اغوای انسان توسط شیطان و توجه دادن او به دنیا و هبوط انسان شناخته شود، راه های جلوگیری از انحراف و خروج انسان از مسیر عبودیت و صراط مستقیم فهمیده می شود. به همین جهت است که خدای سبحان در این سوره می فرماید: «يَا أَيُّهَا آدَمُ لَا يَفْتِنَنَّكَ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ»^۱ یعنی ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد.

یک مربی تربیتی در یک تشکیلات انسان محور و تربیت محور، نیازمند تدبّر در این انسان‌شناسی و شیطان‌شناسی قرآنی است! چراکه در سطح اجتماعی، خطوات شیطان و روش‌های اغوای او در قالب شیوه‌های تهاجم فرهنگی دشمن ظهور می‌کند و ریشه دشمن‌شناسی فرهنگی با شیطان‌شناسی گره می‌خورد. اگر این تدبّر جدی گرفته نشود، چه بسا تشکیلات در وفای به عهدی که با خدای سبحان بسته است، شکست بخورد و در دام بندگی شیطان بیفتد! تدبّر در این سوره و رجوع به مباحث المیزان برای این شیطان‌شناسی مفید است.

یکی از مصادیق شیطان‌شناسی این سوره در آیه ۱۶ این سوره بروز کرده است: «قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱ در این آیه آمده است که شیطان بر سر صراط مستقیم نشسته است؛ این یعنی هرچه مسیر و غایت فرد و تشکیلات ایمانی، الهی‌تر باشد مخالفت و مقابله شیطان بیشتر بوده و در نتیجه برای مقابله، مراقبت

۱ سوره اعراف؛ آیه ۱۶

بیشتری می‌طلبد! همچنین در آیه بعدی می‌فرماید: «ثُمَّ لَا يَأْتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»^۱ یعنی شیطان از چهار جهت اغوا می‌کند که به بیان علامه طباطبایی (رض) «عَنْ أَيْمَانِهِمْ»؛ یعنی از طریق اعمال صالح (مثلاً با غرور و کبر و...)، «عَنْ شَمَائِلِهِمْ» یعنی وسوسه به اعمال زشت و ناصالح (گناهان)، «مِنْ خَلْفِهِمْ» یعنی نگه داشتن انسان در گذشته (افسوس گذشته یا ماندن در اندیشه گذشته و...) و «مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ» یعنی از طریق بلند پروازی‌های بی‌جا (بلند پروازی که باعث از دست رفتن فرصت حال حاضر می‌شود).^۲

این چهار جبهه اغواگری شیطان در سطح تشکیلاتی جریان دارد! باید بدانیم که از نفوذ شیطان مصون نیستیم! یک تشکیلات ایمانی که در مسیر الهی حرکت می‌کند، باید از این چهار جهت از خود مراقبت کند. از جبهه

۱. سوره اعراف: آیه ۱۷

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳

راست، یعنی از طریق اعمال صالح، ممکن است اعضای تشکیلات دچار غرور، خودبرتربینی یا تحقیر دیگران شوند که این امر انسجام تشکیلات را دچار آسیب می‌کند. در سطح تشکیلاتی، این وضعیت به شکلی بروز می‌کند که افراد به جای عمل خالصانه برای خدا، به دنبال نمایش عمل خود، کسب اعتبار شخصی یا ایجاد رقابت‌های ناسالم باشند. از جبهه چپ، یعنی وسوسه به اعمال ناپسند، اگر نظارت در تشکیلات وجود نداشته باشد، این انحرافی خواهد بود که به تدریج جایگاه آن را متزلزل کرده و آن را از مسیر الهی دور خواهد کرد. از جبهه پشت، یعنی توقف بر گذشته و پرداختن به شکست‌ها و اختلافات پیشین، اگر یک مجموعه ایمانی به جای درس گرفتن از گذشته در آن متوقف شود، دچار رکود خواهد شد. از جبهه مقابل نیز اگر تشکیلاتی بیش از حد بر اهداف بلندمدت و آرزوهای دوردست تمرکز کند و از اقدام عملی و مسئولیت‌های کنونی غافل شود، دچار سردرگمی و بی‌عملی خواهد شد.

در این سوره راهکارهای مقابله با این دشمنی‌های شیطان هم آمده است؛ مثلاً خداوند سبحان می‌فرماید: «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ»^۱؛ یعنی تذکر نسبت به افراد یا تشکل‌هایی که بر اثر تبعیت از شیطان از جایگاه رفیعی که داشتند سقوط کردند، خود یک شیوه مقابله با شیطان است؛ و یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَإِنَّمَا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۲ که در این آیه راه مقابله با شیطان را استعاذه و پناه به خداوند ذکر کرده و یا در آیه‌ای دیگر بیان می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^۳؛ همین که شیطان لحظه‌ای شما را مس کرد، خدا را یاد کنید!

ناگفته نماند که این تذکرها در تشکیلات باید به شکل جمعی انجام شود تا مانع از غفلت جمعی و انحراف از اهداف و آرمان‌های تشکیلات گردد؛ یعنی تشکیلات با

۱. سوره اعراف: آیه ۱۷۵

۲. سوره اعراف: آیه ۲۰۰

۳. سوره اعراف: آیه ۲۰۱

تقویت فضای معنوی و تذکر مداوم، اعضای خود را نسبت به خطرات پیش‌رو آگاه کند. هرچه این فضای یادآوری و مراقبت بیشتر در یک مجموعه ایمانی برقرار باشد، احتمال نفوذ شیطان در آن و نعوذ بالله عهدشکنی تشکیلات کمتر خواهد شد.





جزء دهم:

تدبر در آیه ۶۴-۶۶

سوره مبارکه انفال

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ (۶۴) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ
 عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ
 يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵) الْآنَ
 خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ
 مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ
 أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ (۶۶)

ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند [از نظر حمایت و پشتیبانی] برای تو بس است. (۶۴) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی فهمند. (۶۵) اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر هزار نفر [صابر] باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می شوند؛ و خدا با صابران است. (۶۶)

شأن نزول سوره مبارکه انفال مربوط به جنگ بدر است. جنگی که قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۱ یعنی خدا شما را در جنگ بدر یاری کرد با آنکه ضعیف بودید، پس پرهیزکار شوید، باشد که شکر نعمت‌های او را به جای آورید.

قوت تشکیلات ایمانی ناشی از قوت ایمان افراد آن تشکل است! لذا یکی دیگر از تدبّرهای قرآنی برای تشکیلات ایمانی، احصای ویژگی‌های مؤمنین در قرآن و برنامه‌ریزی تربیتی و تشکیلاتی برای ارتقای ایمان از طریق آن ویژگی‌ها است.

خطاب‌های «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در این سوره برای جبران ضعف ایمان مؤمنین در ابتلای جهاد مفید است؛ زیرا در این سوره به تفصیل به کیفیت نصرت الهی مؤمنین در جهاد نظامی یا همان جهاد اصغر با کفار و مشرکین می‌پردازد. اصطیاد قواعد این نصرت می‌تواند در جهاد

۱. سوره آل عمران: آیه ۱۲۳

سیاسی و فرهنگی که جهاد کبیر است، به کار آید. خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جُهْدُهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»^۱ رهبر معظم انقلاب درباره جهاد کبیر فرموده‌اند: «اینکه گفتیم جوانهای مؤمن و حزب‌اللهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال نکنند، و همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و می‌کنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است.»^۲

از جمله خطابات این سوره به اهل ایمان این است که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در جنگ پشت به کفار نکنید و فرار نکنید»^۳ و یا در جای دیگری می‌فرماید: «از خداوند و پیامبر (صلوات‌الله علیه و آله) اطاعت کنید و از فرمان پیامبر (صلوات‌الله علیه و آله) روی گردان نشوید»^۴ و در جای

۱. سوره فرقان: آیه ۵۲

۲. رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۵/۳/۳

۳. سوره انفال: آیه ۱۵

۴. سوره انفال: آیه ۲۰

دیگری از همین سوره مبارکه درباره این تبعیت از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) در شرایط جهادی، می فرماید: «دعوت خدا و رسول را که برای حیات طیبه شماست بشنوید و از فتنه‌ای که پیش روی شماست و دامن‌گیر همه است، بر حذر باشید»^۱ در جای دیگری از همین سوره مبارکه خطاب به مؤمنین می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید به خداوند و رسول و اماناتی که نزد شماست خیانت نکنید و بدانید اموال و اولاد شما امانت الهی و محل ابتلای شماست، اگر با تقوا باشید در ابتلائات خداوند به شما قدرت تشخیص می دهد و خطاهای شما را می بخشد»^۲ و در جای دیگری درباره ذکر خداوند در مواجهه با دشمنان می فرماید: «اگر در جهاد با گروهی از دشمنان برخورد کردید ثابت قدم بوده و ذکر کثیر خداوند را داشته باشید تا پیروز شوید»^۳.

۱. سوره انفال: آیه ۲۴ و ۲۵

۲. سوره انفال: آیه ۲۷ الی ۲۹

۳. سوره انفال: آیه ۴۵

گویی بیشتر خطاب‌های «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و اوامری که در همان آیات یا آیات معطوف به آن آمده است، دستوراتی است برای جبران ضعف ایمانی تشکیلات مؤمنین که قبل از جهاد باید تمهید می‌شد! چرا که میزان نصرت الهی به میزان ایمان و در نتیجه میزان تألیف قلوب و وحدت تشکیلات ایمانی بستگی دارد: «هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِبَصَرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ»^۱ اوست کسی که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند ساخت و میان دل هایشان الفت و پیوند برقرار کرد.

خدای سبحان در ضمن آیات ۶۴ تا ۶۶ قواعدی را برای نصرت مؤمنین بیان کرده است. اولاً می‌فرماید که او برای نصرت پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) و مؤمنین تابع او کافی است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۲ این قاعده در تشکیلات ایمانی هم جاری است! مسئول یک تشکل باید بداند که اصل اساسی برای موفقیت او و

۱. سوره انفال: آیه ۶۲ و ۶۳

۲. سوره انفال: آیه ۶۴

زیرمجموعه او تکیه بر نصرت الهی است! ممکن است مشکلات بسیاری پیش روی آنها باشد و سنگ اندازی‌هایی از سوی بدخواهان صورت گیرد؛ اما تمام اتکاء آنها باید به خدا باشد و اگر همه عالم در برابر آنها قرار بگیرد، ذره‌ای سستی در وجود خود راه ندهند.

قاعده دیگری که در ادامه می‌فرماید این است که تشکیلات ایمانی در صورت صبوری در جهاد فرهنگی، توانی مضاعف پیدا خواهد کرد. اگر اعضای تشکیلات، از مؤمنین قوی‌الایمان باشند، وحدت ایمانی و تألیف قلوب آنها به تأیید و نصرت الهی، قدرت تشکیلاتی آنها را می‌افزاید و آن راده برابر خواهد کرد؛ لذا خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِنَّهُمْ لَأَبْغَاهُونَ»^۱ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما

۱. سوره انفال: آیه ۶۵

صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی‌فهمند.

اگر اعضای تشکیلات، از کسانی باشند که قبل از جهاد ایمان خود را تقویت نکرده‌اند، در صورت توجّه به خطاب‌های الهی ذکر شده به هر حال به اندازه ایمان و وحدت ایمانی خود نصرت شده و توان ایمان جمعی و روح جمعی آن‌ها دو برابر خواهد شد: «الآن حَقَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۱

همانطور که گفته شد این بیانات اختصاصی جهاد اصغر نبوده و قواعد و خطاب‌های آن قابل تسرّی به جهاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که از مصادیق جهاد کبیر

۱. سوره انفال: آیه ۶۶

هستند نیز می‌شود و لذا سوره مبارکه انفال برای امروز
تشکیلات ایمانی حرف‌های بسیاری دارد!







«تدبیر تشکیلاتی» سلسله‌ای از مباحث روشی و محتوایی برای انس با قرآن کریم ناظر به مجموعه‌های فرهنگی و اجتماعی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. دفتر اول، تحت عنوان «رفیق روزهای بندگی» شامل گزیده‌ای از مباحث آداب انس با قرآن کریم استاد عابدینی است. دفتر دوم، تحت عنوان «روش تدبیر تشکیلاتی» شامل گزیده‌ای از قواعد روشی تدبیر در آیات قرآن با رویکرد اجتماعی و تشکیلاتی است.

دفتر سوم، تحت عنوان «تدبیر در عهد بندگی» شامل تدبیر تشکیلاتی در آیات برگزیده سوره جزء قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) در سه مجلد است. در این دفتر تلاش شده است. دلالت‌های تشکیلاتی آیات منتخب از هر جزء قرآن کریم با رویکرد تدبیری و تفسیری و با محوریت تفسیر المیزان برای تشکیلات فرهنگی ارائه گردد.



مرکز
تحقیق و نشر
مطالعات اسلامی



مجلس
مشاوره
اسلامی